



اسلام ذوالقدرپور
کارشناس مسائل بین الملل

اقتصاد و تجارت که زیربنای سیاستگذاری عمومی نامیده می شوند، مؤلفه های هستند که در سیاستگذاری خارجی نیز از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و بخش مهمی از اهداف، ابزار و سیاست ها را به خود اختصاص می دهند. سیاست خارجی در پیشینه درازمدت خود تاکنون بر کسب منابع و منافع اقتصادی بیشتر از مسیر تجارت خارجی استوار بوده و برای دستیابی به این هدف (حد اکثر منابع و منافع)، سیاست ها و اهداف خود را انتخاب، تدوین و اجرایی کرده است. اقتصاد محوری و تجارت پیشگی سیاستگذاری خارجی که الگوی چیره در جهان کنونی شده، راز بقای بسیاری دولت های شکنده یا در مرحله گذار محسوب می شود که برای گریز از چالش های موجود، برتری در نظام جهانی، تضمین بقای حکمرانی و... اجتناب ناپذیر شده است. برتری اقتصاد و تجارت در اندیشه و سیاست های یهودی و صهیون به گونه ای است که برخی آلمانی های قرن بیستم در آستانه جنگ جهانی دوم در تعریف الگوی یهودیان آلمانی می گفتند: «یهودیان در کشمکش میان تجارت و احساسات، تجارت را ترجیح می دهند. الگوی سیاستگذاری خارجی دولت اردوغان در ترکیه در یک دهه اخیر را می توان در قالب همین الگوی سیاستگذاری اقتصاد محور و تجارت پیشه مورد بررسی قرار داد. یک از جلوه های این الگوی اقتصادمحوری سیاستگذاری خارجی دولت ترکیه را می توان در رفتار ترکیه در تحولات فلسطین و غزه به خوبی مشاهده کرد. الگویی که از یک دوگانه سیاست اعلامی تبلیغاتی جعلی و یک سیاست اعمالی پنهانی واقعی تشکیل شده و راز بقای حکمرانی اردوغان و ترکیه در سپهر سیاسی داخلی و نظام بین المللی محسوب می شود. این الگوی اقتصادمحور و تجارت پیشه اردوغان در قبال مسئله فلسطین و اسرائیل به ویژه دوگانه اعلامی و اعمالی آن را که مانند دامی برای ایران است را چنین می توان تحلیل کرد: سیاست اعلامی انقلابی و اسلامی اردوغان؛ بخش عمده سیاستگذاری عمومی رجب طیب اردوغان و موفقیت های ایشان در حکمرانی مطلق ۲۰ ساله بر سپهر سیاسی و اجتماعی ترکیه را می توان پیامد کارآمدی، اثربخشی و برتری سیاست و تاکتیک های تبلیغاتی و رسانه ای ایشان در داخل ترکیه و نظام جهانی دانست. روندی که توانست ترکیه را به عنوان الگوی یک دولت موفق و اردوغان را در قامت یک رهبر جهان اسلام در مداخلات و مناسبات جهانی معرفی کند. سیاستگذاری خارجی دولت ترکیه در دو دهه حکمرانی اردوغان به ویژه در مسأله فلسطین و اسرائیل، بیشتر بر سیاست اعلامی نبرنگ گونه استوار بوده است. فرآیند بر که سیاست اعلامی انقلابی و اسلامی اردوغان در حمایت از آرمان آزادی قدس و فلسطین با تندی و تحکم موضع و سخن اردوغان علیه سران اسرائیل در رسانه های این کشور و جهان اسلام مورد استقبال و تشویق افکار عمومی قرار گرفته و قریب مسلمانان به خوبی اجرا می شود. در چارچوب همین الگوی نبرنگ و فریبنده است که اردوغان در اجلاس داووس ۲۰۰۹ به شیمن پز، رئیس جمهوری اسرائیل حمله ای لفظی کرده، برای خود موجی تبلیغاتی در مسیر اسطوره سازی از خویش راه انداخته و به عنوان یک رهبر انقلابی و اسطوره جهان اسلام در حمایت از آرمان فلسطین و قدس معرفی شد. اکنون در جنگ فراگیر غزه و اسرائیل نیز شاهد همان الگوی سیاست های اعلامی فریبنده و ظاهر انقلابی و اسلامی از دولت سوری ترکیه و شخص آقای اردوغان در لفاظی علیه اسرائیل و حمایت از فلسطین و حماس هستیم. روندی از لفاظی های تبلیغاتی که هیچ گونه پشتوانه عملیاتی ندارند و تنها برای سروش نهادن بر بحران ها داخلی و بلکه پنهان سازی روابط اقتصادی خاص ترکیه و اسرائیل است. سیاست اعمالی و روابط عالی اقتصادی با اسرائیل؛ بخش مهم سیاستگذاری خارجی دولت ترکیه به خصوص در مسأله فلسطین و اسرائیل به منافع اقتصادی و تضمین بقای حکمرانی اردوغان در سایه رونق اقتصادی و تجارت منطقه ای و جهانی معطوف شده است. کسب منافع مالی، سرمایه و درآمدهای خارجی بیشتر برای جبران هزینه های سیاستگذاری مداخله جویانه و گسترش گرای ترکیه در نظام جهانی که اصل زیربنای سیاستگذاری عمومی اردوغان است، ترکیه را با دوگانه سیاست های اعلامی و اعمالی مواجه ساخته است. رویکردی که سیاست های اعمالی آن تابع کسب منافع و سرمایه گذاری خارجی و سیاست های اعلامی آن تابع پرستیز و نمایش تبلیغاتی است. در چنین شرایطی است که دولت ترکیه در پشت پرده لفاظی علیه اسرائیل و نتانیاهو به برقراری روابط عالی اقتصادی و تجارت بیشتر با اسرائیل اقدام کرده، روابط و دیدارهای سران دو کشور نیز در دستورکار طرفین قرار می گیرد. دیدار رجب طیب اردوغان و بنیامین نتانیاهو در اواخر شهریور ۱۴۰۲ در نیویورک به میزبانی دولت ترکیه را می توان نمونه برجسته تضاد سیاست کنونی اردوغان در لفاظی علیه اسرائیل و نتانیاهو دانست. اردوغان و نتانیاهو در شرایطی با هم دیدار و گفت و گو داشتند که ارتش اسرائیل در حال سرکوب و کشتار شهروندان فلسطین به خصوص در کرانه باختری بود. این دیدار سران ترکیه و اسرائیل زمانی جلوه نمایی بیشتری دارد که قرار بود بنیامین نتانیاهو در اوایل مرداد (اواخر جولای ۲۰۲۳) به ترکیه سفر کند با دولتمردان این کشور دیدار و گفت و گو داشته باشد. سیاستگذاران ارشد ایران طی دو دهه اخیر باید به این آگاهی رسیده باشند که سیاستگذاری خارجی دولت اردوغان بر اصل نبرنگ استوار شده و همواره از دوگانگی سیاست اعلامی و سیاست اعمالی برای پنهان سازی نیت و اهداف خود بهره می گیرد.

مسئول تیم اقتصادی دولت استعفا بدهد

در اقتصادی که شفافیت وجود ندارد
فساد طبیعی است

دلیل به وجود آمدن فساد در واردات
چای انحصار اقتصادی است

آرمان ملی- احسان نصاری: فساد مالی چای دیش که نزدیک به ۱۴۰ هزار میلیارد تومان در زمان اختلاس است از لحاظ مقیاس تا زمان خود در ایران بی سابقه بوده است. این فساد بزرگ ترین و سنگین ترین فساد مالی تاکنون در ایران است. به ادعای سازمان بازرسی کل کشور، گروه کشت و صنعت دیش طی سال های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ برای واردات چای و ماشین آلات مبلغی برابر با سه میلیارد و سیصد و هفتاد میلیون دلار ارز دریافت کرده که یک میلیارد و چهارصد و هفتاد و دو میلیون دلار از این مقدار، ارز دولتی بوده است. این میزان دلار از آن برای تأمین ۱۴ سال چای کشور کافی بوده است. به گفته اژه ای، رئیس قوه قضائیه، در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به ترتیب شصت درصد و هفتاد درصد از کل ارز تخصیص یافته برای واردات چای به این گروه پرداخت شده در حالی که رقم دریافتی آن در سال های ۹۸ و ۹۹ به ترتیب ۲ و ۲۱ میلیون دلار بوده است. محسنی اژه ای در سخنرانی روز ۱۶ آذر ۱۴۰۲ گفت دولت هنوز هیچ مدیر دولتی متخلفی را درباره این پرونده به قوه قضائیه معرفی نکرده است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی ابعاد مختلف این فساد با دکتر مهدی پازوکی، اقتصاددان گفت و گو کرده که در ادامه می خوانید.

مهم ترین دلایل شکل گیری فساد گسترده و بزرگ جای دیش چه بوده است؟

در اقتصادی که شفافیت وجود ندارد وجود فساد طبیعی است. این موضوع نیز ارتباطی به این دولت و یا دولت های گذشته ندارد. سیستمی که مردم در آن نامحرم هستند و تصمیمات در پشت پرده گرفته می شود نتیجه ای جز رانت و فساد نخواهد داشت. یکی از دلایلی که فضای کسب و کار در ایران برای رشد و رونق اقتصادی مناسب نیست فقدان شفافیت است. به همین دلیل دولت ها باید شفافیت را در دستور کار خود قرار بدهند. در امور کشور داری هیچ چیز به جز دخالت در امور خصوصی افراد و مسائل امنیتی محرمانه نیست و مردم باید از همه چیز اطلاع داشته باشند. نکته مهمی که درباره فساد اقتصادی چای دیش وجود دارد این است که تسهیلاتی که این شرکت گرفته بود رقم بسیار بالایی بود. اگر شفافیت در اقتصاد ایران وجود داشت امکان نداشت ۷۰ درصد انحصار واردات چای کشور را به این شرکت بدهند. این اتفاق نیز در سال ۱۴۰۱ و در دولت آقای رئیسی رخ داده و کسانی که آن را به دولت گذشته مرتبط می دانند اشتباه می کنند. نکته دیگری که وجود دارد این است که دلیل استعفای وزیر جهاد کشاورزی سابق اعلام نشد. این در حالی است که باید در این زمینه شفاف سازی صورت بگیرد و جای خود را به فرد دیگری داده است؟ به هر حال ایشان وابسته به جریان اصولگرایی بود. چه اتفاقی رخ داد که یکباره استعفا داد؟ وزارت جهاد کشاورزی یکی از جاهایی است که باید نیازهای کشور را در زمینه های کشاورزی از جمله چای مشخص کند و به همین دلیل آقای ساداتی نژاد در این قضیه مسئول است. در این زمینه وزارتخانه های صمت و جهاد کشاورزی به همراه بانک مرکزی باید پاسخگو باشند. با ارزی که شرکت دیش گرفته می توان به مدت یک سال مردم جهان را چای داد.

یکی از شعارهای اصلی آقای رئیسی در انتخابات مبارزه با فساد اقتصادی بود؟ چرا زمینه های فساد در دولت وی نیز به وجود آمده است؟

سیستم اقتصادی کشور اشکال دارد و اشکال دولت این است که به طراحی سیستم نبردخته و تلاش می کند به صورت سنتی اقتصاد کشور را مدیریت کند که در شرایط کنونی جهانی پاسخگو نیست. در جهان امروز اگر قرار است یک دولت به صورت سنتی مدیریت شود قطعاً با مشکل مواجه خواهد شد. به واقع جهان مدرن را با اندیشه های مدرن می توان مدیریت کرد و نه با ابزارهای مدرن. ما برای مدیریت کشور به مدیریت مدرن نیاز داریم، مدیریتی که

در اقتصادی که شفافیت وجود ندارد وجود فساد طبیعی است. این موضوع نیز ارتباطی به این دولت و یا دولت های گذشته ندارد. سیستمی که مردم در آن نامحرم هستند و تصمیمات در پشت پرده گرفته می شود نتیجه ای جز رانت و فساد نخواهد داشت. یکی از دلایلی که فضای کسب و کار در ایران برای رشد و رونق اقتصادی مناسب نیست فقدان شفافیت است. به همین دلیل دولت ها باید شفافیت را در دستور کار خود قرار بدهند. در امور کشور داری هیچ چیز به جز دخالت در امور خصوصی افراد و مسائل امنیتی محرمانه نیست و مردم باید از همه چیز اطلاع داشته باشند

۹۴ میلیارد دلار فساد اقتصادی
در ۱۰ سال!

مهم ترین پرونده های مالی یک دهه اخیر کدامند؟

از روزی که خبر فساد مالی محمودرضا خاوری، مدیر عامل پیشین بانک ملی ایران منتشر شد، حدود ۱۰ سال می گذرد. آن زمان کسی تصور نمی کرد به این زودی ها زمانی برسد که رکورد خاوری شکسته شود. این انتظار خیلی طول نکشید و هنوز به سال نکشیده، فساد های مالی عظیمی رخ داد که خاوری میان آنها کم بود و حالا با برگزاری دادگاه های فساد عظیم اقتصادی به یک رویه تبدیل شده است: رویه ای که البته همه ابعاد آن «شفاف» نیست و سرنوشت بخشی از این پرونده ها که اتفاقاً با سروصدای فراوان به عنوان بزرگ ترین دستاورد نهاد های ناظر در کشف جرم مطرح می شود، مشخص نیست؛ از معاون اول احمدی نژاد تا برادر حسن روحانی؛ از پرونده عظام خودرو تا سرنوشت پرونده بابک زنجانی. ارقام برخی پرونده ها توسط قوه قضائیه به دلار اعلام شده و برخی پرونده ها نیز به یورو بوده است. در مواردی نیز فساد رخ داده به ریال محاسبه شده است. برای یکدستی بیشتر این اعداد همگی بر مبنای دلار محاسبه شده اند تا مشخص شود ابعاد فساد چگونه بوده است. البته در مواردی که فساد در سال ها خیلی قبل بوده، مبنای محاسبه بر اساس قیمت دلار در همان سال بوده است تا یکدستی بیشتری به وجود بیاید. مجموع محاسبات نشان می دهد از جمع تنها ۱۱ پرونده در ۱۰ سال اخیر چیزی حدود ۹۱ میلیارد دلار معادل ۲ هزار و ۲۳۰ میلیارد تومان پرونده فساد اقتصادی در ایران رخ داده است. برای بزرگی این عدد کافی است بدانید جمع کل بودجه همه شرکت های ایران در سال ۱۴۰۰ رقمی معادل ۱۵۴۰ هزار میلیارد تومان بوده است. این یعنی فساد رخ داده نزدیک به دو برابر کل بودجه همه شرکت های دولتی ایران در سال ۱۴۰۰ بوده است ارقام درج شده لزوماً به معنای برداشت از بابت المال نیست و ممکن است در برخی موارد بخشی از پول ها برگردانده شده باشد. در برخی موارد هم جابجا شدن پول ممکن است غیرقانونی صورت گرفته باشد؛ مثل وام های چند هزار میلیاردی که به گفته احمد خجسته نماینده مجلس، در بنیاد شهید بدون تضمین یا وثیقه به برخی داده شده است. بنابراین اعداد اعلام شده، رقم فساد است که با توسط قوه قضائیه (پرونده های رسیدگی شده یا در حال رسیدگی) یا توسط نمایندگان مجلس (تحقیق و تفحص از یک نهاد یا سازمان) اعلام شده است که عموماً ارقام آن توسط قوه قضائیه ایران تأیید شده است.

بزرگ ترین پرونده های فساد مالی در ایران با تحریم ها کره خورده اند

۱۱ پرونده ای که رقم اختلاس در آنها از سه هزار میلیارد تومان بیشتر بوده است، چهار پرونده مرتبط با موضوع تحریم ها علیه ایران بوده است. پرونده بابک زنجانی، پرونده رانت ۶۵۰ میلیون یورویی، پرونده ارز ۴۲۰ تومانی و پرونده عظام خورده، همچنین فساد در دو پرونده هم در شرایط بحران اقتصادی ناشی از تحریم ها، به وجود آمده است. پرونده سه هزار میلیاردی و پرونده سلطان سکه، به این ترتیب می توان این نتیجه را گرفت که تحریم ها برای عده ای از سودجویان چه منفعت بالایی داشته است. موضوع دور زدن تحریم ها و همچنین اردولتی بزرگ ترین دلیل بروز بحران بوده است. پرونده فساد عظیم واردات چای توسط شرکت چای دیش آخرین مورد فساد عمده ای است که کشف شده است. در این پرونده بنابه آمار رسمی قوه قضائیه اعلام شده رقم پرونده ۳۷۰ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار بوده که تا این لحظه رکورد بسیار بزرگی بوده است. البته در سال های گذشته ارقام بسیار بزرگی نیز ثبت شده است؛ از جمله ماجرای فساد پدیده که تبدیل آن به دلار، رقم ۵۹ میلیارد دلار را نشان می دهد. ظاهراً پرونده ۱۸۰۰ میلیاردی و شرکا در فساد واردات چای از سال ۱۴۰۱ جریان است و سال ۱۴۰۲ پس از انتقاد های بسیار اعضای انجمن واردات چای، تازه افشا شده است. به بیان دیگر اگر همین انتقادات نبودند، احتمالاً اطلاعاتی از آن به افکار عمومی درز نمی کرد. برای این پرونده ها ده ها جلسه دادگاه برگزار شده است. بعضی به نتیجه رسیده است و بعضی هنوز در پیچ و خم محاکم قضایی و مراحل مختلف خود را طی می کند و برخی نیز سرنوشت نامشخصی دارند. سه پرونده از این پرونده ها سرنوشت مشخصی ندارند. یکی پرونده رانت ۶۵۰ میلیون یورویی که احمد توکل ی پیگیر آن بود. یکی پرونده فساد در بنیاد شهید که برخی نمایندگان همچون احمد خجسته آن را دنبال می کردند و در یک مورد لاریجانی هم از تأخیر آن گلایه کرد و سوم پرونده بانک تات و ایران مال. تعدادی از افراد دخیل در پرونده های فساد مالی، در سال های گذشته از کشور رنجته اند و سیستم قضائی ایران هنوز نتوانسته آن ها را مجازات کند و متهمان برخی از آنها نیز با پیگیری نیروی انتظامی و قوه قضائیه به ایران بازگردانده شده اند. نکته مهم اینکه تغییر دولت ها در خدادادن فساد تقریباً تأثیری نداشته و در یک دهه اخیر در هر دولت احمدی نژاد و روحانی این فساد ها وجود داشته است. این در حالی است که همواره دولت های ایران، دولت های قبلی خود را به فساد متهم می کردند.

کشور به روش های مدرن مدیریت و شفافیت نیاز دارد. این حق مردم است که در جریان امور قرار داشته باشند. چه اتفاقی رخ داده که شرکت دیش سه سال در حال اختلاس و فساد بوده و امروز متوجه آن شده اند؟ اگر این اتفاق در یک کشور توسعه یافته رخ می داد فردای آن مسئول اقتصادی دولت ضمن عذرخواهی از مردم از سمت خود استعفا می داد. من معتقدم این اتفاق باید در کشور ما نیز رخ بدهد و مسئول اقتصادی دولت به خاطر شکل گیری این فساد در دولت از سمت خود استعفا بدهد

اعتراض کرده اند که چرا انحصار واردات چای کشور را به شرکت دیش داده اید؟ این در حالی است که اگر در این زمینه رقابت وجود داشت چنین اتفاقی رخ نمی داد. رقابت همواره به سود مصرف کننده است. نکته دیگر اینکه هنوز مشخص نیست که آیا دلیل استعفای ساداتی نژاد از وزارت جهاد کشاورزی همین موضوع بوده یا خیر؟

آیا دولت از مدت ها قبل متوجه شده بوده که در زمینه واردات چای فساد به وجود آمده است؟

در این زمینه هیچ تردیدی وجود ندارد که تا زمانی که وزیر جهاد کشاورزی موافقت نکند حتی یک گرم چای نیز وارد کشور نخواهد شد. اگر دولت متوجه این قضیه نبوده و واردات زیادی دارد و اگر متوجه بوده و با آن برخورد نکرده نیز جای سوال بیشتری دارد. نمی توان شرایطی را در نظر گرفت که دولت از این فساد مطلع نبوده است. دولت مدعی است که ۶۰ درصد در این زمینه برکنار کرده است. امروز مطالبه افکار عمومی از دولت این است که اسامی و سمت این ۶۰ نفر را مشخص کند و عناوین تخلفاتی آنها را نیز مشخص کند. در شرایط کنونی برخی از نهاد های که اقتصاد را در انحصار خود درآورده اند زمینه را برای فعالیت بخش خصوصی سالم از بین برده اند. من معتقد نیستم این نهاد ها باید از بین بروند بلکه معتقدم این نهاد ها نباید برای بخش خصوصی مزاحمت ایجاد کنند. تجربه نشان داده بخش خصوصی دارای سرمایه است. پشت پرده هنوز باید متوجه شرایط کسب و کار سالم شود. اگر دولت رئیسی بتواند ثبات اقتصادی را به اقتصاد ایران بازگرداند و جلوی ریخت و پاش های اقتصادی را بگیرد می تواند به بهبود وضعیت آینده امیدوار باشد. واقعیت این است که اقتصاد ایران به شدت از بی انضباطی مالی رنج می برد. بی انضباطی پولی در سیستم بانکی، بی انضباطی مالی در سند بودجه و بی انضباطی اداری در سیستم اداری وجود دارد که دولت باید تلاش کند آنها را مرتفع کند. در همه کشورهای جهان بهترین نیروهای متخصص را جذب دولت می کنند این در حالی است که در ایران افرادی را به استخدام دولت ها درمی آورند که از دانشگاه های درجه پنج و شش مدرک خود را اخذ کرده اند. موضوع مهم دیگری که در این زمینه تعیین کننده است سیاست خارجی دولت است. دولت رئیسی به عنوان دولتی که از سوی حاکمیت حمایت می شود اگر بتواند با جهان توسعه یافته و غرب ارتباط داشته باشد به سود کشور است. این ارتباط نیز باید در چارچوب منافع ملی مردم ایران باشد. برخی از مسئولان به خوبی با جهان و مرادوات دیپلماتیک آشنایی ندارند و گمان می کنند با حرف می توانند اقتصاد را درست کرد. واقعیت این است که دوران حرف درمانی به پایان رسیده است. ما باید با سیاست های بخردانه و رویکردهای علمی اقتصاد را اصلاح کنیم و وضعیت زندگی مردم را بهبود بدیم.